

پرونده هسته‌ای ایران در حالی با ادعای ارجاع به شورای امنیت به محور فشارهای تازه علیه تهران تبدیل شده که در همین ادعا هم نشانه‌های آشکار تناقض قابل مشاهده است؛ همان کشوری که ایران را به عدم همکاری با آژانس متهم می‌کند، خود مسیر هرگونه بازتعریف این همکاری را مسدود نگه داشته، تفاهم‌ها را نقض کرده و مدام ایران را تهدید به بمباران می‌کند.

تروئیکای اروپایی با تشویق و همکاری ایالات متحده آمریکا در حال تدارک طرحی تازه برای فشار بر ایران است؛ این‌بار به بهانه پرونده هسته‌ای ایران و با استفاده از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. خبرگزاری‌های رويترز و آسوشیتدپرس، اعلام کرده‌اند که پیش‌نویس قطعنامه جدیدی از سوی چهار کشور ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان در تاریخ ۱۳ شهریور (۴ سپتامبر) آماده شده و در نشست روز دوشنبه (۱۶ شهریور) شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به رای گذاشته شد. این پیش‌نویس قطعنامه از شورای حکام درخواست می‌کند که گزارش‌ها و پرونده مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را بار دیگر به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارسال کند. اقدامی با ادعای وادار کردن تهران به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به روال سابق.

تروئیکای اروپایی و آمریکا مدعی‌اند «تهران به تعهدات خود ذیل معاهده عدم اشاعه پایبند نبوده و آنچه نبود همکاری با آژانس» خوانند؛را به معنای نقض این تعهدات تفسیر کرده‌اند و با این تفسیر در تقای گرفتن رای ۳۵ عضو دیگر آژانس علیه ایران هستند. این قطعنامه تلاش دارد پرونده هسته‌ای ایران را پس از دو دهه بار دیگر به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده و آن را به موضوعی امنیتی تبدیل کند.



ایسن قطعنامه (در صورت تصویب) در ادامه قطعنامه‌ای است که خرداد ماه سال گذشته در شورای حکام علیه ایران تصویب و به یکی از بهانه‌های حمله رژیم اسرائیل و آمریکا علیه ایران تبدیل شد. آژانس در گزارش محرمانه خود پیش از نشست شورای حکام، به موجودی اورانیوم ایران و سطح غنی‌شده آن اشاره کرده و تداوم وضعیت فعلی همکاری با ایران را در تضاد با پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) اعلام کرده است.

اسماعیل بقاتی، سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به اقدام تروئیکای اروپا و آمریکا با بیان اینکه پیش‌نویس این قطعنامه بر اساس گزارشی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قبلاً هم با ایسن الگو و این روند مواجه بوده‌ایم. این اقدام از چند جهت بی‌معناست. از لحاظ حقوقی، این‌ها مدعی بودند که آنچه موسوم به «سنپک» شد، قطعنامه‌های شورای امنیت را احیا کرده است. اقدام سه کشور اروپایی و آمریکا برای اینکه مجدداً موضوع هسته‌ای ایران را در شورای امنیت سازمان ملل مطرح کنند، نقض همان ادعایی است که داشتند و اثبات درستی موضع ایران، چین و روسیه است که سنپک را اساساً غیرقانونی و غیرقابل اعمال می‌دانستیم.»

بقاتی با اشاره به اینکه سه کشور اروپایی خودشان را بی‌اعتبار می‌کنند؛ خاطرنشان کرد: «سه کشور اروپایی قبلاً این مسیر را تفراتند و دیده‌اند که چه پاداشی از طرف آمریکا گرفته‌اند؛ تحقیر شدند، به حاشیه رانده شدند و در عین حال موجب پیچیده‌تر شدن موضوعات مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران شدند. سوم اینکه خواسته این‌ها بسیار نامعقول است. از یک طرف، آمریکا و رژیم صهیونیستی بانی و باعث این وضعیت هستند. دلیل اینکه آژانس نمی‌تواند دسترسی

داشته باشد به مراکز و تأسیسات هسته‌ای ایران، جنایتی است که آمریکا و رژیم صهیونیستی با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران مرتکب شدند. خودشان این مسیر را مسدود کردند و الان ایران را به خاطر عدم امکان دسترسی آژانس به تأسیسات هسته‌ای ایران شمات می‌کنند.

پروژه جدید واشنگتن و تروئیکا علیه ایران با نسخه تکراری گروسی

این نقض غرض است.»
رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود (پنجم شهریور) با روزنامه‌های «لا ناسیون» و «کلارین» درباره آخرین وضعیت پرونده همکاری آژانس و ایران اعلام کرد: «از نگاه آژانس، وضعیت پرونده هسته‌ای ایران در مجموع نسبت به ماه‌های گذشته تغییر اساسی نکرده و این نهاد برای از سرگیری فعالیت‌های خود اعلام آمادگی کرده اما در مقطع کنونی کانال مذاکراتی درباره موضوع هسته‌ای وجود ندارد.»

اصرار ایران به بازتعریف روابط با آژانس پس از بمباران تأسیسات هسته‌ای، شاید اگر ماجراجویی‌های مداوم آمریکا نبود، به گره خورده‌اند که چه پاداشی از طرف آمریکا گرفته‌اند؛ راه‌حلی برای آن در دسترس قرار می‌گرفت. پرونده هسته‌ای ایران پیش از این نیز مسیر شورای امنیت را طی کرده است؛ شورای امنیت در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ با تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ از ایران خواست فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری را تعلیق کند و هشدار داد که در

بر اساس همین گزارش، آژانس تأکید کرده که حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران وضعیتی «بی‌سابقه» ایجاد کرده، اما از دید این نهاد، فعالیت‌های راستی‌آزمایی باید از سر گرفته شود.

ایران چه می‌گوید؟

جنگ آغاز شده علیه ایران هم در خرداد و هم در اسفند سال گذشته، پرونده هسته‌ای و روابط تهران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تحت تاثیر شدید قرار داد. بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران از سوی آمریکا، تعامل تهران با این نهاد را با تغییرات بسیار گسترده روبه‌رو کرد. تهران از آن تاریخ تاکنون سیاستی را با آژانس در پیش گرفته که برای درستی آن استدلال‌های خاص دارد. تهران از زمان بمباران تأسیسات هسته‌ای خود در تظنن و فردو، همکاری خود با آژانس را در همه زمینه‌ها متوقف و تنها درباره نیروگاه بوشهر حاضر به همکاری شده. تهران معتقد است بمباران تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت

مذاکره با بانک‌ها برای دریافت وام است و پیش‌تر ۴ میلیارد دلار تأمین مالی کرده بود. جذب سرمایه توسط صندوق ثروت ملی؛ صندوق سرمایه‌گذاری عمومی (PIF) در ماه مه موفق به جذب ۷ میلیارد دلار شد. این مجموعه اقدامات به وضوح نشان می‌دهد که عربستان از جایگاه «صادرکننده سرمایه» به «متقاضی نقدینگی» تغییر موقعیت داده است.

بحران‌های فوری و میان‌مدت پیش روی عربستان

با جمع‌بندی موارد فوق، چالش‌های اصلی عربستان به شرح زیر است:

کمبود نقدینگی در کوتاه‌مدت؛ اولین و فوری‌ترین مشکل، تأمین کسری عظیم بودجه ناشی از هزینه‌های جنگ و کاهش درآمدهاست.

مانع بزرگ بر سر راه «چشم‌انداز ۲۰۳۰»: جنگ کنونی بزرگ‌ترین عامل خارجی مختل‌کننده برنامه تحول اقتصادی «چشم‌انداز ۲۰۳۰» است و ممکن است دولت را مجبور کند که در اولویت‌بندی پروژه‌های بزرگ خود بازنگری کند.

آسیب‌پذیری ساختاری اقتصاد؛ این بحران به وضوح وابستگی شدید اقتصاد عربستان را به صادرات نفت و گذرگاه حیاتی تنگه هرمز آشکار ساخته است. افزایش ریسک ژئوپلیتیکی؛ ادامه‌درگیری‌های منطقه‌ای، اعتماد سرمایه‌گذاران را به شدت خدشه‌دار کرده و ریسک کلی کشور را بالا برده است.

جمع‌بندی‌نهایی

به گزارش مشرق، به طور خلاصه، عربستان در حال گذراندن یک «آزمایش تنش» بزرگ ناشی از مناقشات ژئوپلیتیکی است. مشکل اساسی اینجاست که جنگ به طور مستقیم، شاهرگ حیاتی اقتصاد این کشور یعنی صادرات نفت را هدف قرار داده و به همین دلیل، عربستان همزمان با تحمل هزینه‌های سرسام‌آور جنگ، برای پیشبرد پروژه‌های عظیم تحول‌آفرین خود ناچار به استعراض گسترده شده است. این وضعیت، حکایت از ورود این پادشاهی نفتی به مرحله جدیدی از ریاضت‌کشی مالی و فشار اقتصادی دارد.



گسترده آژانس اقدامی خلاف قانون این نهاد و قواعد بین‌المللی و البته بی‌سابقه بوده است و از این منظر نحوه تعامل درباره آینده همکاری در این سایت‌ها نیازمند دستورالعمل، پروتکل و قانون جدید و متفاوتی است که آژانس باید آن را تدوین و مبنای همکاری قرار دهد.

پروژه جدید واشنگتن و تروئیکا علیه ایران



محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی چهارم شهریور در توضیح آخرین روند روابط ایران و آژانس با اشاره به اینکه در شرایط کنونی، آژانس از مراکزی که مورد حمله قرار نگرفته‌اند، بازرسی‌های لازم را طبق پادمان انجام داده است، گفت: «درباره مراکزسی و راستی‌آزمایی در نیروگاه قرار گرفته‌اند، قانون مجلس برای ما ملاک است. آژانس باید تکلیف خود را درباره وضعیت امنیت سایت‌ها روشن و اعلام کند که برای سایت‌هایی که مورد حمله نظامی قرار می‌گیرند، چه پروتکلی دارد.»

از دیدگاه رئیس سازمان انرژی اتمی، آژانس چنین پروتکلی در اختیار ندارد، در محکومیت حمله به سایت‌های هسته‌ای تحت کنترل خود هم موضعی نگرفته است و اصرار به بازرسی از این سایت‌ها تحت فشار آمریکا و رژیم اسرائیل تنها با این هدف صورت می‌گیرد که وضعیت آن‌ها و میزان آسیب و تخریب به واشنگتن و تل‌آویو گزارش دهد.

به گفته اسلامی، مبنای همکاری ایران و آژانس در حال حاضر قانون مصوب مجلس ایران است، قانونی که به آژانس هم ابلاغ شده و تا زمانی که ضوابط و پروتکل بازرسی از سایت‌هایی که تحت حمله نظامی قرار گرفته‌اند تدوین، تصویب و ابلاغ نشود، این نهاد نمی‌تواند ادعای بازرسی داشته باشد.

دست و پا زدن آمریکا برای فرار از تبعات جنگ با قربانی کردن متحدان

طبق برنامه‌های اجرایی اولیه، این مقادیر در سراسر آمریکا، آسیا، اقیانوسیه و اروپا توزیع شد، قبل از اینکه تعهدات جزئی بعداً به تقریباً ۴۲۶ میلیون بشکه افزایش یابد. ایالات متحده به تنهایی ۱۷۲.۲ میلیون بشکه کمک کرد، در حالی که مقادیر باقیمانده از ذخایر دولتی و تجاری در سایر کشورها تأمین کرد. در اینجا، مکانیسم «تقسیم هزینه» آشکارتر می‌شود. قوانین آژانس بین‌المللی انرژی تصریح می‌کند که سهم کشورها در اقدام جمعی متناسب با سهم آنها از مصرف نفت در بین اعضای آژانس است. علاوه بر این، کشورهای واردکننده از قبل ملزم به حفظ ذخایر معادل حداقل ۹۰ روز واردات خالص هستند. این بدان معناست که بخشی از شبکه ایمنی مورد استفاده برای کاهش پیامدهای جنگ، نه تنها از ذخایر استراتژیک ایالات متحده، بلکه از ذخایر انباشته شده طی سال‌ها توسط ژاپن، کره جنوبی و کشورهای اروپایی با هزینه خودشان نیز حاصل می‌شود.

در بحران فعلی، از این شبکه مشترک برای افزایش عرضه، تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از تشدید کمبود عرضه به تنگناهای گسترده‌تر استفاده شده است. بنابراین، مدیریت هزینه واشنگتن کمتر شبیه «جبران» برای متحدانش و بیشتر شبیه مجموعه‌ای از دفاع‌های لایه‌ای در اطراف بازار به نظر می‌رسد: از جمله، افزایش آمریکا و متحدانش، افزایش عرضه باقی‌مانده از خارج از منطقه بحران، تغییر مسیر صادرات خلیج فارس از طریق مسیرهایی که تنگه هرمز را دور می‌زنند و محافظت از بخشی از خطوط کشتیرانی برای جلوگیری از محاصره کامل.

آمریکا چگونه برای فرار از نبعات جنگ با ایران متحدانش را قربانی می‌کند؟

در این میان، آمریکا به تنهایی با بحران روبه‌رو نیست، بلکه در شبکه گسترده‌ای از کشورهای مصرف‌کننده انرژی قرار دارد که اجازه می‌دهد واکنش از یک بار صرفاً ملی آمریکایی به یک بار جمعی تبدیل شود. واضح‌ترین نمونه در ماه مارس رخ داد، زمانی که ۳۲ کشور عضو آژانس بین‌المللی انرژی در مورد بزرگ‌ترین آزادسازی جمعی ذخایر نفت اضطراری در تاریخ این آژانس توافق کردند و ۴۰۰ میلیون بشکه را برای رفع اختلالات عرضه ناشی از جنگ در دسترس قرار دادند.

طبق برنامه‌های اجرایی اولیه، این مقادیر در سراسر آمریکا، آسیا، اقیانوسیه و اروپا توزیع شد، قبل از اینکه تعهدات جزئی بعداً به تقریباً ۴۲۶ میلیون بشکه افزایش یابد. ایالات متحده به تنهایی ۱۷۲.۲ میلیون بشکه کمک کرد، در حالی که مقادیر باقیمانده از ذخایر دولتی و تجاری در سایر کشورها تأمین کرد. در اینجا، مکانیسم «تقسیم هزینه» آشکارتر می‌شود. قوانین آژانس بین‌المللی انرژی تصریح می‌کند که سهم کشورها در اقدام جمعی متناسب با سهم آنها از مصرف نفت در بین اعضای آژانس است. علاوه بر این، کشورهای واردکننده از قبل ملزم به حفظ ذخایر معادل حداقل ۹۰ روز واردات خالص هستند.

این بدان معناست که بخشی از شبکه ایمنی مورد استفاده برای کاهش پیامدهای جنگ، نه تنها از ذخایر استراتژیک ایالات متحده، بلکه از ذخایر انباشته شده طی سال‌ها توسط ژاپن، کره جنوبی و کشورهای اروپایی با هزینه خودشان نیز حاصل می‌شود.

در بحران فعلی، از این شبکه مشترک برای افزایش عرضه، تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از تشدید کمبود عرضه به تنگناهای گسترده‌تر استفاده شده است. به گزارش تسنیم، بنابراین، مدیریت هزینه واشنگتن کمتر شبیه «جبران» برای متحدانش و بیشتر شبیه مجموعه‌ای از دفاع‌های لایه‌ای در اطراف بازار به نظر می‌رسد: استفاده از ذخایر آمریکا و متحدانش، افزایش عرضه باقی‌مانده از خارج از منطقه بحران، تغییر مسیر صادرات خلیج فارس از طریق مسیرهایی که تنگه هرمز را دور می‌زنند و محافظت از بخشی از خطوط کشتیرانی برای جلوگیری از محاصره کامل.

صفحه ۱۲

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵
۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۳۰

مکان تحولاتی در جریان است و به زودی آنجا را بمباران خواهد کرد. در چنین شرایطی هیچ کشوری، از منظر منطق امنیتی، تمایلی به گشودن درهای تأسیسات حساس خود به روی بازسان نخواهد داشت، وقتی همزمان تحت تهدید صریح حمله نظامی به همان مکان یا سایت‌های مشابه قرار دارد.

ارجاع دوباره

نتیجه‌ای که پیشاپیش قابل پیش‌بینی است

اکنون سؤال اینجاست که آیا ارجاع پرونده هسته‌ای ایران با ادعای عدم پایبندی به تعهدات پادمانی، در شرایطی که توصیف شد، می‌تواند طرف‌های غربی را به اهداف خود برساند؟ در پاسخ به این پرسش، ابتدا باید هدف را از منظر تهران مورد بررسی قرار داد. از نگاه تصمیم‌گیران ایران، این اقدام حلقه تازه‌ای از زنجیره فشار شکنده بر تهران با انگیزه تسلیم است. در چنین برداشتی، ایران ارجاع پرونده هسته‌ای خود به شورای امنیت را تکه دیگری از زنجیره طرحی شده در واشنگتن و تل‌آویو برای تشدید سیاست فشار حداکثری بر خود در کنار دو جبهه جنگ اقتصادی و نظامی می‌داند و طبیعتاً با آن برخورد می‌کند.

از سوی دیگر روند بررسی پرونده‌های مربوط به ایران در شورای امنیت سازمان ملل هم با توجه به تجربه‌های اخیر، رویه اجماعی را نشان نمی‌دهد و چین و روسیه با درک تاثیرات ماجراجویی آمریکا علیه ایران، اغلب در زمین واشنگتن بازی نمی‌کنند. صرف‌نظر از این موضوع، پیشینه تاریخی نیز حکایت از آن دارد که ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در سال ۲۰۰۶، که با هدف واداشتن تهران به تعلیق کامل غنی‌سازی صورت گرفت، هرگز به این هدف اعلامی نرسید و در بلندمدت غنی‌سازی ایران را متوقف نکرد.

در نهایت راه خروج از این بن‌بست از دیدگاه تهران، تغییر رویکرد است. واقعیت آن است که ترتیبات مورد نیاز برای بازکردن این گره‌های سه‌لایه باید با ارائه نوعی تضمین درباره امنیت تأسیسات هسته‌ای ایران صورت گیرد تا تهران از نظر منطقی بتواند با بازرسی از سایت‌های هسته‌ای خود موافقت کند. گام دوم، که خود ایران نیز صراحتاً آن را مطالبه کرده، تدوین توافقی تازه و مشخص درباره نحوه بازرسی از تأسیسات اسپیدبدیده است؛ سازوکاری که باید پاسخ دهد بازرسی از تظنن و فردو یا چه هدف، تحت چه ضمانت‌هایی و با چه تعریفی از مسئولیت آژانس در قبال حملات گذشته صورت می‌گیرد.

به گزارش ایرنا، واقعیت این روابط در حال حاضر این است که هر بار با حسن‌نیت ایران، مسیر مذاکره باز شده، آمریکا و شر‌کایش با یا تحریم تازه آن را بسته یا با تهدید نظامی خنثی کرده‌اند. تا زمانی که این روند متوقف و معکوس نشود؛ به این معنا که ارجاع به شورای امنیت یا تهدید به حمله، با گامی همزمان و ملموس در دیپلماسی جایگزین نشود، هیچ فشاری نمی‌تواند بن‌بست کنونی را بگشاید.

گلوگاه تنفس عربستان زیر ضرب جنگ علیه ایران

قیمت نفت برنت حدود ۸۷ دلار در هر بشکه باقی مانده، ولی کاهش شدید حجم صادرات، درآمدهای نفتی را به شدت کاهش داده و عملاً سود ناشی از قیمت‌های بالا را خنثی کرده است.

کسری بودجه سرسام‌آور؛ هزینه‌های سنگین جنگ و تحول

با وجود قیمت‌های نسبتاً بالای نفت در چند ماه اخیر، کسری بودجه‌ی عربستان چراغ قرمز روشنی دارد.

در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۶، کسری بودجه به ۹.۱ میلیارد دلار رسید و مجموع کسری در نیمه اول سال به ۴۲.۷ میلیارد دلار بالغ شده است.

از سویی دیگر، برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای، عربستان مجبور به افزایش مخارج نظامی و عمومی شده است. هزینه‌ی نظامی در نیمه‌ی اول سال ۲۰۲۶ به ۳۳.۲ میلیارد دلار رسید که سهم قابل‌توجهی از بودجه‌ی مصوب سالانه را تشکیل می‌دهد. اقتصاددانان هشدار می‌دهند که ساختار مخارج دولت «سخت‌شونده» (غیرقابل انعطاف) شده و حتی در صورت پایان جنگ، بخشی از این هزینه‌های جدید به سرعت قابل کاهش نخواهد بود.

نیاز فزاینده به تأمین مالی؛ از وام‌دهنده به وام‌گیرنده

برای بر کردن این شکاف عظیم مالی، عربستان به طرزی معنادار به سمت تأمین مالی خارجی روی آورده است.

استعراض دولت، مرکز مدیریت بدهی ملی (NDMC) به دنبال دریافت حداقل ۸ میلیارد دلار وام جدید است. تنها در سال ۲۰۲۶، بخش دولتی حدود ۶ میلیارد دلار اوراق قرضه منتشر کرده است. تأمین مالی شرکت‌های دولتی؛ غول نفتی آرامکو نیز در حال

طبق اخبار منتشرشده، رژیم سعودی در حال انجام مذاکرات اولیه برای دریافت حداقل ۸ میلیارد دلار وام جدید است، زیرا جنگ در ایران بر وضعیت مالی ال‌سعود فشار وارد کرده و تجارت آن را شدیداً مختل کرده است.

طبق اخبار منتشرشده در رسانه‌های بین‌المللی، رژیم سعودی در حال انجام مذاکرات اولیه برای دریافت حداقل ۸ میلیارد دلار وام جدید است، زیرا جنگ در ایران بر وضعیت مالی ال‌سعود فشار وارد کرده و تجارت آن را مختل کرده است.

شرکت بزرگ نفت آرامکو عربستان، همچنین در حال بررسی امکان دریافت یک وام جداگانه است، در حالی که ریاض با وجود افزایش قیمت نفت، با کسری ۹.۱ میلیارد دلاری در سه ماهه دوم سال مواجه است.

عربستانی که تا همین یک سال اخیر، همواره در افکار عمومی جهانی به دلیل ثروت نفتی آن، به عنوان «فلک پول» شناخته می‌شد، اکنون به دنبال دریافت حداقل ۸ میلیارد دلار وام جدید است. این یک اقدام تأمین مالی صرف نیست، بلکه نشانه‌ای آشکار از فشار شدیدی است که اقتصاد این کشور در نتیجه‌ی جنگ و تحولات منطقه‌ای متحمل شده است.

افت کلان اقتصادی؛ از رشد به رکود

ضربه‌ی جنگ مستقیماً اقتصاد عربستان را از مسیر رشد خارج و به قلمرو رکود کشانده است. در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶، GDP واقعی عربستان ۴.۸ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت که بدترین عملکرد از زمان همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ محسوب می‌شود. این در حالی است که در سه‌ماهه اول، اقتصاد حدود ۳ درصد رشد داشت و این تغییر جهت، بسیار شدید و ناگهانی بوده است.

پیش‌بینی سالانه منفی: از آنجا که اختلال در تنگه هرمز بسیار فراتر از برآوردهای اولیه طول کشیده، مؤسسه BMI (زیرمجموعه فیچ) پیش‌بینی کرده است که اقتصاد عربستان در کل سال ۲۰۲۶ حدود ۱.۳ درصد منقبض خواهد شد.

ضربه به رگ حیاتی نفت؛ بن‌بست در آمدی

بخش نفتی که ستون اصلی اقتصاد است، با شرایط بی‌سابقه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند.

تاث فاجعه‌بار تولید؛ در سه‌ماهه‌ی دوم، تولید بخش نفت نزدیک به ۲۵ درصد سقوط کرد. BMI پیش‌بینی کرده که اگر محاصره تنگه هرمز ادامه یابد، تولید نفت در سه‌ماهه سوم ممکن است به ۲۵ درصد کاهش نسبت به سال قبل برسد.

مسیرهای صادراتی پرخطر: دلیل اصلی این وضعیت، «بن‌بست شدن عملی» تنگه هرمز است. عربستان ناچار شده است از مسیر جایگزین دریای سرخ استفاده کند، اما این مسیر هم ظرفیت محدودی دارد و هم به دلیل تهدیدات نیروهای یمنی با ریسک‌های امنیتی جدیدی مواجه است که هزینه‌ی حمل‌ونقل و حقیب‌ریمه را به شدت افزایش داده است.

شکست معادله «جبران کاهش حجم با قیمت»: اگرچه میانگین